

بشری خلفان

تنکارچی پروانه‌های غمگین

مجموعه داستان‌های کوتاه

ترجمه

خدیجه شاه‌محمدی



سرشناسه	: خلفان، بشری
عنوان قراردادی	: صانداالفرشات الحزین، فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: شکارچی پروانه‌های غمگین: مجموعه داستان‌های کوتاه/ بشری خلفان: ترجمه خدیجه شاه‌محمدی.
مشخصات نشر	: تهران: تخته‌سیاه، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۶۴ ص:؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۶-۵۶۵-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: داستان‌های کوتاه عربی -- عمان -- قرن ۲۱ م.
موضوع	: Short stories, Arabic-- Oman -- 21st century
شناسه افزوده	: شاه‌محمدی، خدیجه، ۱۳۶۶-، مترجم
رده بندی کنگره	: PJA۴۹۳۰
رده بندی دیویی	: ۸۹۲/۷۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۵۳۳۳۶

www.ketab.ir



نام کتاب: شکارچی پروانه‌های غمگین
 ناشر: انتشارات تخته‌سیاه
 نویسنده: بشری خلفان
 مترجم: خدیجه شاه‌محمدی
 صفحه‌آرایی و طراح جلد: صنم آفریگان
 شمارگان: ۵۰۰ جلد
 نوبت چاپ: اول - پاییز ۱۴۰۰
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۶-۵۶۵-۸
 قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان



فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۱	(۱) قاب
۱۵	(۲) جاز
۲۳	(۳) هایدی و فرشته‌ها
۲۹	(۴) این هم اتفاق می‌افتد.
۳۳	(۵) در خود شکستن
۳۵	(۶) خانه بالای تپه
۳۹	(۷) خواب
۴۳	(۸) بعضی امور کوچک گذرا
۴۷	(۹) سکون
۴۹	(۱۰) آن زن
۵۳	(۱۱) آن چیست که در صندوق پنهانش کرده‌ای لیلا؟! ..
۵۷	(۱۲) دروغ بزرگ

بشری خلفان، نویسنده زن داستان‌های کوتاه و نیز رمان‌نویس معاصر عمانی است. از این نویسنده، یک کتاب با نام «زفرقه»، یک رمان با عنوان «الباغ» و چند مجموعه داستانی با نام‌های «غبار»، «صائد الفراشات الحزین» و «حبیب رمان» به چاپ رسیده است. او در پست مدیریت «دفتر نویسندگان عمان» مشغول به کار بوده و عضو «انجمن نویسندگان و ادیبان عمان» است و مقالات خود را در روزنامه عمانی «الوطن» و نیز مجله «الرؤیه العمانيه» منتشر می‌کند.

خلفان شیفته خواندن داستان کوتاه، داستان‌های پلیسی و رمان‌های تاریخی است و همین امر نیز او را بر آن داشته که رمان «الباغ» را که نامش برگرفته از زبان فارسی‌ست، به رشته تحریر درآورد. در این رمان، خلفان تاریخ عمان در یک برهه زمانی خاص را روایت می‌کند. او می‌گوید: «در نوشتن رمان الباغ از کتب تاریخی استفاده کردم. در حقیقت مطالعاتم در زمینه تاریخ و علاقه‌ام به آن، دو دلیل اصلی نوشتن این رمان بود؛ چون تاریخ همیشه مورد علاقه من بوده و هست و به خواندن تاریخ عمان و کشورهای خلیجی بسیار اهمیت می‌دهم. برای نوشتن این رمان هم تقریباً سی کتاب به دو زبان عربی و انگلیسی را مطالعه کردم که زندگینامه برخی مبارزان سیلانی، ادبیات انقلاب و رمان‌های عمانی و عربی دیگر درباره انقلاب‌ها از جمله همین کتب بوده است».

این نویسنده در پاسخ به این‌که آیا شیوه نگارشش به مسائل، یا گذر عمر تغییری هم کرده است می‌گوید: «بله! طبیعی است که بینش انسان تغییر کند و از تنوع هم نمی‌توان فرار کرد». به نظر او، دانش و مطالعات وسیع و گسترده، برای یک نویسنده امری مهم است؛ چون افق دیدش را وسعت و نگاهش به زندگی و انسان را عمق می‌بخشد.

به گفته خود خلفان، نوشتن برای او بیشتر شبیه بینش و هنر است. او چه در قصه‌های کوتاه و چه در رمان‌هایش تلاش می‌کند، هم هنر نگارندگی خود را بهبود بخشد و هم بینشش را وسعت دهد و درست به همین علت است که بررسی مسائل فکری، تاریخ، سیاست، انسان‌شناسی، روانشناسی، زندگینامه‌ها و سفرنامه‌ها از جمله زمینه‌هایی هستند که به آن‌ها علاقمند است.

وی در مصاحبه‌ای که در آستانه سال ۲۰۱۸م در عمان با او انجام گرفته درباره زمینه مطالعاتی خود می‌گوید: «در سال‌های اخیر و به‌ویژه بعد از بازنشستگی و مستقل شدن

سی فرزندانم، بیشتر برای خواندن وقت دارم. به همین خاطر اگر کار اداری یا مسئله خاصی پیش نیاید، تقریباً تمام صبح را مشغول کتاب خواندن هستم؛ اما این همیشگی نیست، چون روزه صبح‌ها معمولاً وقت انجام مقتضیات زندگی روزمره است. عصرها را بیشتر صرف تحقیق می‌کنم و مطالعه شب‌ها هم مخصوص داستان یا شعر است.

«ویرجینیا ولف» یکی از نویسندگان محبوب خلفان است و او از رمان «زمین خوب» رشته «پرل باک»، به عنوان اولین رمانی که خوانده است، نام می‌برد. او می‌گوید خواندن این رمان را در دوره دبیرستان به پایان رساندم و چنان تحت تأثیر آن قرار گرفتم که چند سال بعد، دوباره خواندنش را شروع کردم و این بار، برای بار دوم، طور دیگری از آن لذت بردم.

او درباره علاقه‌اش به داستان کوتاه می‌گوید: «داستان‌های کوتاه من، باعث افتخارم هستند و در سطح محلی و اقلیمی هم کارگاه‌های آموزش نویسندگی و قصه کوتاه برگزار می‌کنم و تا امروز هرگز از خواندن قصه کوتاه و تحقیق درباره آن دست نکشیده‌ام، حتی وقتی که مشغول نوشتن رمان‌های بلند بوده‌ام».

به طور کلی روش و سبک خلفان، در نوشتن داستان کوتاه، ساده‌نویسی است؛ او جملاتی کوتاه و پرمعنی به کار می‌برد که شاید همین سادگی خواننده را فریب دهد؛ چون اغلب آن‌ها در چند به زبانی ساده مطرح می‌شوند اما حاوی معنایی عمیق‌اند که خود خواننده باید در شفاف و شهود آن‌ها تلاش نماید.

در داستان اول به نام «قاب» روایتی از عکس‌ها است، چرا که عکس‌ها روایتگر داستان‌ها، حساسات و حقایقی پنهان در گذشته‌های دور یا نزدیک‌اند.

داستان دوم به نام «جاز» که روایت رماتیک یک عشق آتشین است، احساسات مردی به نام چارلز به معشوقه‌اش را به تصویر می‌کشد. اتفاقات داستان با شعر و موسیقی در هم می‌آمیزد و پایانی مبهم، اما شبیه به یک جنایت هولناک را رقم می‌زند.

در داستان «هایدی و فرشته‌ها»، نویسنده روایت را با ترسیم تصاویر بصری و توصیفی آغاز می‌کند و سپس آن را به شرح روایتی پنهان از تقابلات و تمایزات فرهنگ شرق و غرب می‌کشانند. این داستان، تابلویی از جهان‌بینی و سبک متفاوت و گاه متضاد زندگی در شرق غرب عالم است. داستان دختری که به لندن منتقل می‌شود تا زندگی جدیدش را شروع کند و هم چنین داستان هایدی داستان امید به زندگی و انسان است.

داستان چهارم با عنوان «این هم اتفاق می‌افتد»، روایت ساده حوادث روزمره یک صبح

تا شب راوی است. اما پشت همین جزییات کوچک، تلاش انسان برای ایجاد معنی و امید در زندگی پنهان است و داستان می‌کوشد به شیوه‌ای غیرمستقیم مونولوگ‌های درونی راوی را که در ارتباط تنگاتنگ با کودکی وی است، تصویر کند.

داستان «در خود شکستن» به‌عنوان پنجمین داستان، راز سعی انسان برای پیدا کردن خود عشق و امید در قالب نمادین را نشان می‌دهد.

«خانه بالایی تپه» هم داستان عشق نافرجام دوطرفه «مُنی» و «احمد» است. عشقی که پس از مرگ همسر احمد، دوباره در آستانه جان گرفتن قرار می‌گیرد؛ اما به دلیل ترس‌های احمد برای بار دوم به سرنوشت شکست و جدایی منتهی می‌گردد.

داستان هفتم با نام «خواب» نیز، داستان بیماری منجر به مرگ یک دختر جوان است. نویسنده سعی دارد مرگ را نوعی آزادی و عروج تصویر کند؛ عروجی که سبکباری حاصل و نتیجه آن است.

«بعضی امور کوچک گذرا» هم توجه خواننده را به اهمیت امور کوچک و گذرایی معطوف می‌دارد که گاه می‌توانند دردناک، تأثیرگذار و شکننده باشند.

اما «سکون» روایت مرگ است. روایتی که با آشفتگی و شیون آغاز می‌شود اما پس از آن سکون، همراه با نوعی روزمرگی به زندگی بازمی‌گردد.

دهمین داستان مجموعه، «آن زن»، تصویرگری جزییات زندگی عاشقانه مردی است که حتی مونولوگ‌هایش با معشوق، خواننده را به یک فضای عاشقانه زیبا منتقل می‌کند؛ تا آنجا که حد فاصل میان توهم و واقعیت در ذهن مخاطب گم می‌شود.

داستان «آن چیست که در صندوق پنهانش کرده‌ای لیلیا؟!» نیز تصویرگر خلأ روانی دختری است که در غیاب طولانی‌مدت پدر، در کنار مادرش قد می‌کشد و بزرگ می‌شود، اما ردپای گودال عمیقی که این کمبود در روح و روان او بر جای می‌گذارد، علیرغم همه شکفتگی‌ها، سال‌های سال در زندگی و رفتارهای عجیب او دیده می‌شود.

اما داستان «عایشه»، دخترک یتیم کوچکی که در داستان «دروغ بزرگ»، پس از مرگ پدر ناچار است به ازدواج با شیخ میانسال طایفه تن دهد، چون این دخترک که هنوز کم سن و سال و بچه هست با پسر شوهرش «محمود» دوست می‌شود، با هم بازی میکنند و این امری هست که به کشتن عایشه منتهی می‌شود در خلال فراز و فرود داستان؛ که به تفصیل به ماجرای رشد و بالندگی دخترک در خانه شیخ می‌پردازد، حوادثی رخ می‌دهد که یک جنایت بزرگ در پایان داستان و درست در همان ماهی که اولین نشانه‌های بلوغ در عایشه ظاهر می‌شود، حاصل آن است.